

سید محمدکاظم موسوی بجنوردی رئیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

دانش‌نامه‌ی گلستان

مدل خوبی

برای سایر استان‌هاست

تاریخ، منطقی‌ای را که امروز گلستان نام‌گذاری شده، با نام «گرگان» و «جرجان» و «استرآباد» می‌شناسد. من به عنوان دایره‌المعارف‌نویس نظر کارشناسی‌ام این است که نام دانش‌نامه‌تان را «گرگان» بگذارید. مطمئن باشید در آینده، اسم فعلی استان‌تان برداشته خواهد شد.



اشاره: بی شک نام سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی در بین اهالی فکر و فرهنگ و اندیشه معاصر، نامی آشناست. او که جوانی‌اش را با فعالیت‌های سیاسی آغاز کرد، پس از دستگیری محکوم به اعدام شد اما به شکل معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافت و به حبس ابد محکوم گردید. بیش از ۱۰ سال از طلایی‌ترین دوران عمر خود را در زندان پهلوی گذراندید. گویی سرد و گرم روزگار را در حصار زندان تجربه کرد، در زندان خلاء وجود دایره‌المعارف را احساس کرد و پس از پیروزی انقلاب و آزادی از زندان، خیلی زود از حوزه‌اجرایی و سیاسی کناره‌گرفت و اوقات خود را یکسره وقف تحقق اهداف بلند فرهنگی گردانید و مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی را بنیان نهاد. این مرکز به سرعت نقش بزرگی در ارائه‌اطلاعات دقیق و مستند علمی درباره‌تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران و اسلام یافت و توانست مامنی برلی دانشمندان و اندیشه‌ورزان بزرگ ایران و اسلام شود. تجربیات ذی‌قیمت ایشان، ما را بر آن داشت تا گفتگویی با وی ترتیب دهیم. هر چند لطف ایشان از قبل هم شامل حال موسسه فرهنگی میرداماد می‌شد، اما این فرصت مغتنمی بود تا از تجربیات و دیدگاه‌های وی برلی ادامه کار استفاده‌کنیم.

استاد ضمن تشکر از حسن نظر شما و فرصتی را که در اختیار ما قرار دادید، به عنوان اولین سوال شاید خوانندگان ما به دنبال این باشند که از زبان شما ضرورت نوشتن دایره‌المعارف را بشنوند و این که یک دانش‌نامه‌ی محلی چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟

من هم در ابتدا به شما خوش آمد می‌گویم و از اقدامات خوب موسسه فرهنگی میرداماد به ویژه از حسن تدبیر آیت الله نورمفیدی تشکر می‌کنم. در پاسخ به سوال شما باید بگویم که اساساً مهم‌ترین مسئله یک منطقه و یا گروهی از مردم، این است که هویت آنها حفظ شود، به عنوان مثال مسئله هویت منطقه‌ی گرگان بسیار مهم است. این که سوابق تاریخی و باستانی آن از عهد باستان گرفته تا تاریخ معاصر، زبان‌ها و گویش‌های مردم، عادات و رسوم آنها، شخصیت‌های



علمی، سیاسی و تاریخی و هر آنچه را که به حوزه فرهنگ و تمدن آن سرزمین بر می‌گردد، شناسایی و معرفی شود، این کار دانش‌نامه است.

دانش‌نامه به مثابه یک کتابخانه است که همه زوایای هویتی یک جامعه را دربر دارد. شناسنامه یک ملت و قوم

است. در دانش‌نامه چون داشته‌های فرهنگی و هویتی ثبت می‌شود، این‌ها را هم معرفی و هم حفظ می‌کند و این مسئله در توسعه فرهنگی منطقه، بسیار مهم خواهد بود.

خوراکی‌ها، شیرینی‌ها، عرقیات مخصوص، ورزش‌های محلی، آداب و رسوم بومی و هر آنچه را که جزو زندگی مردم است، اینها در دایره‌المعارف آورده می‌شود و معرفی و حفظ می‌گردد. اعلام جغرافیایی، آثار باستانی و معماری، سلسله حکام، صنایع باستانی همچون سلاح‌سازی، سیستم دفاعی، همه این‌ها در دایره‌المعارف می‌آید. پتانسیل‌های فرهنگی منطقه‌ی شما به علت ویژگی‌های خاص جغرافیایی را که دارد، باید شناسایی و عرضه شود تا یک گرگانی بتواند با تمام گذشته‌ی هویتی و فرهنگی خود آشنا گردد و آن را درک کند، آن وقت همیشه زنده خواهد بود. چون هر کسی که هویت داشته باشد و به آن آگاهی پیدا کند، خود را زنده خواهد دانست.

اگر به تاریخ، فرهنگ، زبان، فولکلور و آنچه را که در طول تاریخ داشتیم، آشنایی پیدا کنیم آن وقت است که احساس زنده بودن در ما پیدا می‌شود.

یک وقتی ما نگاه می‌کردیم که در ایران باستان شاید فقط ۳۰۰، ۴۰۰ نوع شربت داشتیم. این‌ها بیانگر عمق حضور این ملت در تاریخ است، همین‌ها ریشه‌های تمدن است. نه مثل برخی از این کشورهای دور و بر ما که هویت تمدنی ندارند. لذا ضرورت نوشتن دانش‌نامه خیلی روشن است. از سوی دیگر دایره‌المعارف‌ها، دسترسی به اطلاعات دسته‌بندی شده را خیلی آسان می‌کنند. یعنی افراد برای پیدا کردن نیازهای اطلاعاتی خود، به راحتی به آن می‌رسند و برای مطالعات عمیق‌تر، مقالات خوب دانش‌نامه‌ای، منابع زیادی را به محقق معرفی می‌کند. اگر یک دانشجو و یا پژوهشگر بخواهد بیشتر تحقیق کند این منابع تحقیق که شناسایی شده، خیلی به او کمک می‌کند. به همین دلیل است که می‌گوییم دایره‌المعارف، در حکم یک کتابخانه است. یعنی وقتی شما یک دایره‌المعارف دارید، مثل این می‌ماند که یک کتابخانه غنی دارید، چون تمام وجوه تاریخی، فرهنگی، هنری و هویتی را معرفی می‌کند با ذکر منابع موثق. پس این خودش یک کتابخانه است، اما با حجم کوچک و قابل دسترسی. لذا این‌گونه روش، برای ارائه مطالب روش بسیار خوبی است. این که هر آنچه که می‌شد در ذیل یک مدخل قرار گرفته شود، آمده، از یک رقص محلی گرفته که دارای اسم خاص است تا مهم‌ترین مراکز علمی و دانشگاهی که در منطقه است، چه در گذشته و چه در زمان حال. بنابراین دایره‌المعارف، هم نقش حفاظت از فرهنگ و هم نقش ارائه و اشاعه فرهنگ را برعهده دارد.

این ویژگی‌هایی را که برای دایره‌المعارف بر شمردید به نظر شما مَقوم این نظریه نمی‌تواند باشد که دایره‌المعارف‌ها سرعت پژوهش و تحقیق را کند می‌کنند و مانع گسترش تحقیقات هستند. چون افراد پاسخ حداقلی نیازهای خود را دریافت کرده و احتمال این که به دنبال تحقیق عمیق‌تر بروند، ضعیف می‌شود؟

نه به هیچ وجه این‌گونه نیست. من این نظر را اصلاً قبول ندارم. بلکه درست نقطه مقابل آن است و میزان تحقیق را گسترش می‌دهد. چون توقعات را افزایش می‌دهد. مثلاً ما که داریم ۱۳، ۱۴ دایره‌المعارف را عرضه می‌کنیم، این منابع به دست یک محقق و دانشجو می‌رسد. خوب یک پژوهشگر و یک دانشجو وقتی می‌خواهد حرفی برای گفتن داشته باشد، باید فراتر از آن

برود. دیگر یک استاد راهنما نمی‌پذیرد که دانشجویش اطلاعاتی را که در رساله خود عرضه می‌کند، در همان میزان دایره‌المعارف بماند. بلکه از او می‌خواهد که به این منابع مراجعه کند و زوایای دیگری از مسئله را ببیند.

از طرف دیگر دایره‌المعارف‌ها به معنای واقعی از یک روش علمی پیروی می‌کنند و دارای مسیر علمی هستند و این خودش می‌تواند کمک بزرگی برای ادامه راه باشد نه سد کردن راه.

❁ شما شخصاً به عنوان فردی که سال‌هاست وقت خودتان را در این راه صرف کردید، چه ضرورتی را دیدید که این مسیر را انتخاب کردید؟

می‌دانید که بنده تقریباً تمام دوران جوانی‌ام را قبل از انقلاب در زندان بودم. در آن‌جا با تمام گروه‌ها، مخصوصاً گروه‌های مارکسیستی تعامل فکری داشتیم، این‌ها نصف دنیا را در دست داشتند. در هر زمینه‌ای، حتی مثلاً در زمینه زیبایی‌شناسی کتاب داشتند و تفکرات خودشان را تبلیغ می‌کردند. اما ما بچه مسلمان‌ها کمتر چیزی داشتیم. لذا از همان موقع این نگاه در من

شکل گرفت که باید کاری کرد. هر چند در آن مقطع در زندان یک جور آتش‌بس سیاسی بین گروه‌ها بود و کمتر کسی سعی می‌کرد افراد گروه دیگر را در زندان به سمت خودش بکشد، اما من احساس کردم ما خلا‌های

دانش‌نامه به مثابه یک کتابخانه است که همه زوایای هویتی یک جامعه را دربر دارد. شناسانه یک ملت و قوم است.

زیادی داریم. این کمبودها مشهود بود. این واقعیت وجود داشت که دست ما خالی بود و علی‌رغم وجود پایه‌های فرهنگی و تمدنی قوی اسلامی، اما اینها کمتر تبیین و تشریح شده بود. مارکسیست‌ها کتاب‌های زیادی در زمینه شناخت، تبیین تاریخ و بسیاری موضوعات داشتند. اما ما منبعی نداشتیم که وجوه مختلف فلسفی، کلامی، تاریخی، اقتصادی، مردم‌شناسی، فرهنگی و تمدنی و همه حوزه‌ها را به صورت یک جا و کامل به جامعه و خصوصاً جوانان بشناساند. البته ما از گذشته‌ی بسیار دور، منابع غنی خوبی در فلسفه، فقه، حدیث و دیگر موضوعات داشته و داریم، اما بسیاری از آن‌ها متون سنگینی دارند که برای عموم قابل فهم و درک نیستند و نیاز است که با ادبیات به‌روز و ساده و روان‌تر عرضه شوند. لذا ما از همان داخل زندان تصمیم گرفتیم که دایره‌المعارفی برای اسلام بنویسیم و از همان‌جا و داخل زندان رژیم

پهلوی، کار را شروع کردیم. حتی فیش‌برداری را با همان منابع محدودی که در اختیار داشتیم آغاز کردیم، از کتبی مثل «ملل و نحل» شهرستانی که فرقی و مذاهب مختلف را معرفی می‌کند. بعد دیدم این کار زندان و یک نفر نیست، امکانات و منابع بسیار زیاد، افراد محقق و پژوهشگر متعددی نیاز دارد و در زندان نمی‌شود کار وسیعی کرد.

بعد از پیروزی انقلاب و آزادی ما از زندان، این فکر در من بود و این سوال را برای خودم مطرح می‌کردم که حالا انقلاب کردیم که چه کار کنیم؟ ماشین بهتری از ماشین‌های ژاپنی بسازیم؟ یا ساختمان‌هایی بلندتر از ساختمان‌های آمریکایی احداث کنیم؟ چه کار باید کنیم؟ چه جوری می‌خواهیم بگوییم که ما دست‌آورد جدیدی برای بشریت داریم؟ انقلاب کردیم که به مردم چه بگوییم؟

به نظر من رسید که باید به سراغ فرهنگ و مسائل معنوی و فکری رفت. حرف نو و جدید را در حوزه فرهنگ و اندیشه و اخلاق باید زد. این که ما برای معارف بشری چه کار جدیدی می‌خواهیم بکنیم؟ چه حرف جدیدی می‌خواهیم بزنیم؟ چه الگوی زندگی را می‌خواهیم عرضه کنیم؟

برای کار لازم بود که سفره‌ی تحقیق و پژوهش پهن شود و این کار آغاز گردد. به نظر من بهترین مدل برای این فکر، دانش‌نامه‌نویسی بود و در این حوزه بود که می‌شد به تمام علوم و شئون فکری جهان اسلام پرداخت، لذا این کار را شروع کردیم.

🌸 می‌شود کمی بیشتر توضیح دهید که ثمرات این سال‌های فعالیت شما چه بوده است؟

بحمد... پس از این سال‌ها، آثار ارزشمندی را تحویل جامعه دادیم. در رأس آنان مجلدات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی است. الان این دایره‌المعارف به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی منتشر می‌گردد. این مجموعه در زبان انگلیسی با نام «اسلامیکا» چاپ می‌شود. در زبان عربی با نام «دایره‌المعارف الاسلامیه الکبری» و در فارسی هم به عنوان «دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» منتشر شده است. در کنار این کار، دایره‌المعارف‌های دیگری مثل دانش‌نامه ایران، دانش‌نامه فرهنگ مردم ایران، دانش‌نامه تهران بزرگ، دانش‌نامه ایران باستان، دانش‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایران، دانش‌نامه حقوق، دانش‌نامه خلیج فارس، دانش‌نامه مشاغل، دانش‌نامه هنر

و امثال این‌ها را در دست تألیف و تدوین و انتشار داریم. روی هم رفته ۱۲، ۱۳ دانش‌نامه را در دست تألیف داریم.

علاوه بر این‌ها مجموعه مُعظم تاریخ ایران را در ۲۰ جلد نوشتیم که چاپ شده و در آینده نزدیک، عرضه می‌شود. این کار ۱۲ سال زمان برد و ۱۶۹ استاد متخصص از سراسر دنیا کار تألیف آن را انجام دادند. ۵ جلد آن مربوط به ایران باستان است و ۱۵ جلد آن مربوط به دوره اسلامی است. جغرافیای ایران را در ۵ جلد نوشتیم که آماده چاپ شده است. کار دیگری که انجام می‌دهیم این است که برای اقوام و مناطق مختلف ایرانی، گروه‌های خاصی را در حال شکل‌دهی هستیم. مثلاً گروه مطالعات قوم لر، گروه مطالعاتی آذری زبان‌ها، گروه مطالعاتی قوم بلوچ و بقیه اقوام که پس از شکل‌گیری این گروه‌ها، بر روی تاریخ، فرهنگ و هر آن‌چه را که مربوط به این اقوام است، مطالعات عمیق انجام خواهد شد.

خلاصه ما به سهم خودمان در راستای تبیین اندیشه اسلامی و معرفی شاخص‌های فرهنگی و تمدنی ایران و اسلام، تلاش می‌کنیم. البته ادعا نداریم که هر آنچه را که باید، انجام می‌دهیم، به حد توان، تلاش خودمان را می‌کنیم.

نگاه ما به افقی است

که ایران به مرکز فرهنگی جهان اسلام
تبدیل شود

در یک جلسه‌ای خدمت رهبر انقلاب بودیم به ایشان عرض کردم که الان این‌گونه تداعی می‌شود که مرکز فرهنگی جهان اسلام، قاهره است. علی‌رغم همه مسائلی را که دارد اما باز هم مرکز فرهنگی جهان اسلام محسوب می‌شود. عرض کردم که نگاه ما به افقی است که ایران به مرکز فرهنگی جهان اسلام تبدیل شود. ایشان گفتند پس راه بسیار طولانی و سختی در پیش گرفتید. گفتیم بله آنقدر این راه دراز است که معمولاً این هدف را هر جایی مطرح نمی‌کنیم. چون برای رسیدن به آن نیازمند عزم ملی هستیم و باید تمام کشور، با تمام امکانات به دنبال این هدف باشد که متأسفانه این‌گونه نیست. اما تلاش خودمان را می‌کنیم، افق نگاه‌مان آن‌جاست و همیشه هم سعی کردیم اندازه‌های کارمان هم با این نگاه بزرگ باشد و لذا همه‌ی کارهای ما با این نگاه شکل گرفته است.

با اهدافی که شما بیان داشتید یقیناً این کار باید در شهر به شهر و استان به استان

انجام شود. اما شاید بسیاری از مناطق که تصمیم به آغاز کار دارند وقتی نگاه‌شان به امکاناتی که برای این کار در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی فراهم شده بیفتد، آنان را نگران کند که نتوانند آن را به نتیجه برسانند. آیا برای انجام این کار در سطح شهرها و استان‌ها هم نیاز به این امکانات وسیع هست یا نه؟

نه، به نظر من این کار بیش از هر چیزی نیاز به عشق و علاقه دارد، البته امکانات حداقلی را هم می‌خواهد. اما این‌گونه نیست که این کار را امکانات و تجهیزات ساختمانی پیش‌بردد. به عقیده من، شما مدل خوبی برای دیگر مناطق کشور می‌توانید باشید. آقای نورمفیدی انصافاً کارشان را خیلی خوب آغاز کردند. این نشانگر دیدگاه فرهنگی والای ایشان است. خوب شروع شده و مجموعه شما در شروع کار، این امکانات را نداشت. لذا برای انجام این کار، لازم است افرادی دلسوز و علاقه‌مند به فرهنگ و تمدن و عاشق، دور هم جمع بشوند. اگر این باشد به نظر بقیه امکانات که البته آن‌ها هم نیاز است، فراهم خواهد

شد. باید کاری کرد که در مردم دغدغه ایجاد شود و مردم علاقه‌مند شوند. وقتی مردم اهمیت این مسئله را که در وجود همه، تعلق خاطر به آن‌ها وجود دارد را درک کنند، بقیه مسائل می‌تواند با

باید کاری کرد که در مردم دغدغه ایجاد شود.
وقتی مردم اهمیت این مسئله را درک کنند،
بقیه مسائل می‌تواند با همت والا، حل شود

همت والا، حل شود. البته لازمه آن این است که مسئولان بیش از دیگران این دغدغه را داشته باشند و توجه کنند، که متأسفانه گاهی احساس می‌شود این‌گونه نیست.

🌸 به نظر شما در عصر جهانی شدن، دایره‌المعارف‌ها و دانش‌نامه چگونه می‌تواند در

حفظ فرهنگ بومی کمک کند؟

کسانی که دایره‌المعارف می‌نویسند کار مادر را می‌کنند. مسئله جهانی شدن و ظهور ابزارهای متنوع ارتباطی که پدید آمده است و دسترسی به اطلاعات را آسان کرده است، یک واقعیت است. اما این موضوع را باید دانست که این‌ها بیش از آن‌که تولیدکننده اطلاعات باشند، وسیله رساندن اطلاعات هستند. خب در چنین وضعیتی این ما هستیم که باید خودمان را نشان بدهیم و خوراک درست کنیم. تولید علم کنیم و به عنوان مرجع، حضور خودمان را در این فضا قوی داشته باشیم. باید این ابزارها را در اختیار بگیریم تا تاثیرگذاری خودمان را بیشتر کنیم. وقتی شما تمام

اطلاعات و معلومات منطقه‌ی خودتان را در قالب دانش‌نامه می‌نویسید، دارید کار مادر را انجام می‌دهید، کار اصلی می‌کنید. در این صورت هر کسی که بخواهد درباره منطقه شما در تمام موضوعات تحقیق کند، مجبور است به سراغ اطلاعات تولید شده توسط شما بیاید و آن جاست که اگر کار خوب و عمیق انجام شده باشد، تأثیرات خودش را خواهد گذاشت و این شما خواهید بود که ابتکار عمل را در دست دارید و می‌توانید با قدرت، میراث فرهنگی خودتان را حفاظت کنید. پس ما باید از این موضوع به عنوان یک فرصت بهره بگیریم و دست روی دست نگذاریم و هر آن‌چه که به میراث فرهنگی و فکری ما مربوط می‌شود را با روش نو و علمی، تحقیق و منتشر کنیم و در دسترس قرار بدهیم تا حضور ما در این عرصه حضوری مؤثر و قوی باشد.

❁ شما بخشی از مقالات دانش‌نامه گلستان را ملاحظه کردید چه ارزیابی از آن دارید؟
اولاً من به عنوان دایره‌المعارف نویسنده نظر کارشناسی‌ام این است که نام دانش‌نامه‌تان را «گرگان» بگذارید. این یک اسم تاریخی است و در هزاران منبع ثبت شده است و از بین رفتنی نیست. تاریخ، منطقه شما را با نام «گرگان» و «جرجان» و «استرآباد» می‌شناسد. مطمئن باشید در آینده، اسم فعلی استان‌تان برداشته خواهد شد، چون ریشه‌ی فرهنگی و تمدنی و تاریخی ندارد و نام گرگان برای این سرزمین باقی خواهد ماند. لذا به شما توصیه می‌کنم که از نام «گرگان» برای دانش‌نامه استفاده کنید.



در مود مقالات دانش‌نامه شما، من بخشی از آنها را دیدم، انصافاً خیلی خوب کار شده بود و استانداردهای علمی را دارد. دیدم که مقالات شما هم مثل مقالات دایره‌المعارف ما، دارای ارجاعات علمی است و این اعتبار مقالات را می‌رساند. لذا شما شروع خوبی دارید. در تجربه اول و مشکلاتی که این کار مخصوصاً در شهرستان‌ها دارد، انصافاً خیلی خوب پیش رفت. این مدلی را هم که برای انتشار انتخاب کردید، مدل خوبی است. این که شما مدخل‌های خودتان را اولویت‌بندی کردید و در ویرایش اول، مقالات دارای اولویت یک را از «الف» تا «یا» نوشتید و ابتدا این‌ها را منتشر می‌کنید و در ویرایش‌های بعدی آن را کامل می‌کنید، این روش خوبی است. ما هم اگر می‌توانستیم این کار را می‌کردیم ولی دامنه کار ما خیلی وسیع است و این روش برای ما ممکن نبود، ولی مدل شما برای کار استانی و محدوده‌ی جغرافیایی کوچک، خیلی خوب و موثر است و مطمئن هستیم که موفق خواهد بود. باید این کار را با جدیت و علاقه ادامه بدهید. البته

انتشارتان باید با سرعت بیشتری انجام گیرد، نمی‌دانم چرا کارتان تا الان خروجی نداشته است. احساس می‌کنم کمی بیش از حد وسواس دارید. در عین حال که باید مراقبت ویژه داشته باشد، وسواس بی‌اندازه هم کار را عقب می‌اندازد و باعث خستگی و فرسایش می‌شود. خیلی وسواس به خرج ندهید و سعی کنید زودتر دانش‌نامه‌تان منتشر شود.



مدل شما برای کار استانی و محدوده‌ی جغرافیایی کوچک، خیلی خوب و موثر است و مطمئن هستیم که موفق خواهد بود